تازه های باهَمِستان [1]

برگ ویژۀ آرمان برای معرفی فعالیت ها و سازمان های مردم- نهاد ایرانیان

شهلا شفیق، پژوهشگر ایرانی و دارندۀ نشان لژیون دونور، جایزۀ اتحادیۀ پژوهشگران فرانسه را دریافت کرد...

در ژانویۀ سال جاری دکتر شهلا شفیق نویسنده و پژوهشگر ایرانی مقیم فرانسه، جایزۀ ارزشمند اتحادیۀ پژوهشگران فرانسه را در پاریس دریافت کرد.

شهلا شفیق بِسکی، زادۀ سال ۱۹۵۴جامعه‌شناس، پژوهشگر و نویسندهء ایرانی مقیم فرانسه پیشتر نشان لژیون دونور فرانسه را دریافت کرده بود. شهلا شفیق از سال ۱۹۸۳ در فرانسه زندگی می‌کند. او از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۴ از سوی آژانس توسعه روابط بین فرهنگی شهروندی (ADRIC) جهت فعالیت در برابر خشونت و تبعیض و همچنین حمایت از زنان مهاجر و اقدام برای سکولاریسم در تنوع فرهنگی انتخاب شد و جایزۀ کنشگری مدنی را در «سال گفتگوی بین فرهنگی اروپا» در سال ۲۰۰۸ دریافت کرد. از ۲۰۱۶–۲۰۱۹ او عضو شورای عالی برابری زنان و مردان از کشور فرانسه است. شهلا شفیق در سال ۱۳۹۶ بالاترین نشان لژیون دونور فرانسه را به پاس سال‌ها خدمت در حوزۀ برابری دریافت کرد.

آرمان این موفقیت های بزرگ را به دکتر شهلا شفیق و همۀ ایرانیان تبریک می گوید.

[1] واژۀ باهمستان، برساختۀ استاد داریوش آشوری، معادل واژۀ انگلیسی Community است.

فیلم "تهران من حراج" ساختهٔ گراناز موسوی در چند فستیوال

فیلم "تهران من حراج" ساخته ی گراناز موسوی در چندین فستیوال جهانی از جمله فستیوال بین المللی تورانتو به نمایش گذاشته شد. این فیلم پروژه ی دکترای خانم موسوی از دانشگاه سیدنی است که در حوزهٔ سینمای شاعرانه به بررسی زیباشناسی شعر در سینما پرداخته است. وی سعی کرده با استفاده از شعر و قرار دادن آن در مدیوم سینما تجربه جدیدی کسب کند.

گراناز موسوی که خود از شاعران مطرح در دو دههٔ گذشته است، در مصاحبه ای با گلناز جمشید می گوید:

> من رشته ام سینماست و خب به هر حال دوست داشتم فیلم ایرانی بسازم. معتقد هستم فیلم هنگامی دلچسب تر می شود که بر اساس تجربیات از درون خود کارگردان بیرون بیاید. تجربه خودم در فیلم دخیل است و مسائلی که به آن ها عمیقا اعتقاد دارم را به تصویر کشیده ام. من دو بار مهاجرت کرده ام یک بار به بیرون از ایران و بار دوم مهاجرت به ایران. در نتیجه همیشه مساله مهاجرت برایم مهم بوده است که چرا پنج میلیون ایرانی خارج از ایران زندگی می کنند و این موج سنگین مهاجرت چه عواقبی دارد. ضمن اینکه مطرح کردن مسائل نسل خودم (طبقه متوسط تحصیل کرده ای که از سینمای فعلی ایران غیبت دارند) برایم ارجحیت داشت. به ندرت فیلمی را مشاهده می کنیم که به مسائل این طبقه بپردازد. برای مثال خیلی طول کشید تا "دربارهٔ الی" ساخته شد. برایم مهم است تا این طبقهٔ متوسط شهری تحصیل کرده قصه ای داشته باشد. توقع بیننده از فیلم های ایرانی یک ریتم کند، یک فیلم پر از منظره های دور دست، مراسم عجیب، با اقوامی دور از متن جامعه شهری، بچه ها و یا آدم هایی در حاشیه شهرهای بزرگ است. هیچ ایرادی به این گونه فیلم ها وارد نیست، زیرا که فیلم های خوبی هم در این زمینه ها ساخته شده است، ولی من نمی خواستم دنبال سوژه های تکراری بروم، زیرا شخصا از متن آن ها بیرون نیامده ام.

گراناز موسوی در پاسخ به گلناز جمشید که می پرسد بزرگترین مشکل در ساخت این فیلم چه بود، می گوید:

یکی از بزرگترین مشکلات در ساخت این فیلم تلفیق کادر استرالیایی با کادر ایرانی بود. دیگری پیدا کردن زبان سینمایی بود که بتوانم در شرایط فعلی ایران این قصه را بگویم. بعضی از شخصیت های فیلمم آدم های پذیرفته شده ای در جامعه نیستند و مدام تحت فشارند. گفتن قصهٔ این آدم ها برایم خیلی سخت بود، در صورتی که باید تلاش می کردم تا با زبانی خاص که متوجه لبهٔ مرزهای تعریف شده است، جلو بروم و این ممنوعیت ها و محدودیت ها را به تصویر بکشم. من ترسی از کار کردن در خارج از این محدوده ها را نداشته ام و برایم خیلی مهم بود تا روی این خطوط قرمز فیلم بسازم. معتقدم باید طوری فیلم ساخت تا این مرزها را به عقب برانیم و نشان دهیم با گسترده تر کردن این مرزها خیلی از قصه ها قابل گفتن است. صحیح نیست با عبور از کنار مرزهای موجود آن ها را انکار کنیم، بلکه مهم این است که چگونه با آن ها کنار آمده و از کنارشان بگذریم.

گراناز موسوی در مورد نام "تهران من حراج" می گوید:

من می خواستم فیلمی بسازم که تهران در آن نقش داشته باشد. به مسئلهٔ مهاجرت اشاره می کنم. بسیاری از آدم ها آنچه را که دارند برای مهاجرت به حراج می گذارند. پنج میلیون ایرانی در خارج از مرزهای کشورشان زندگی می کنند. بسیاری از این مهاجرین از لحاظ عاطفی رنج می برند و آسیب دیده اند.

همچنین این آسیب ها متوجه آن هایی است که در ایران زندگی می کنند. مردمی که پنج میلیون هموطن، سرمایهٔ انسانی، اقتصادی، فرهنگی، تحصیلی و آموزشی خود را از دست داده اند. به همین علت مسئلهٔ چوب حراج زدن به این دارایی را در عنوان فیلم خلاصه کردم.

مشخصات فیلم: نویسنده و کارگردان: گرانازموسوی

تهیه کنندگان: بهیر وردک، گرانار موسوی، کریستین ویلیامز، و مرضیه وفامهر

بازی‌گران: عرفات فیض، الهام ایازی، اندرو کوییلتی، مرحوم حشمت‌الله فنایی، سعیده سادات، فرشته عالمی، امیرشاه تلاش، ذبیح غیاث، زیشان‌خان تلاش, مدینه جان.

و حضور افتخاری: حسیبا ابراهیمی

مدیرفیلمبرداری: بهروز بادروج، ساخت موسیقی: حسین علیزاده، طراح‌صحنه و مشاورکارگردان: رایا نصیری، تدوینگر: شیما منفرد، طراح‌صدا: حسین قورچیان، صدابردار: علی علوی، دستیاران کارگردان: سید جلال روحانی و امیرشاه تلاش, مدیرتولید: امیر اسکندری و طارق وردک، مدیر رسانه: مهسا همتی، طراح پوستر: مریم کهوند، ساخت تریلر: مسعود فرجام، موسیقی تریلر: پیمان ابدالی

پخش بین المللی فیلم بر عهده محمد اطبایی(مستقل‌های ایران) و پخش اقیانوسیه در دست جاناتان پیج (بونسای) است. محصول: افغانستان، استرالیا، هلند، ایران.

آرمان: این موفقیت را به گرانار موسوی و همکارانش تبریک می گوییم.

معرفی گروه موسیقی هونیاک: گروه جوان و نوآور در ایران

با بازدید از صفحه های فیسبوک، اینستاگرام و تلگرام گروه موسیقی هونیاک هنرمندان جوان و نوآور را حمایت کنیم.

Telegram ID: https://t.me/hooniakbandhooniakband.com
Instagram: hooniakband

کار عکاس ایرانی مسعود قدیری در میان تصاویر برگزیدهٔ مسابقهٔ عکاسی نجومی رصدخانهٔ سلطنتی گرینویچ

لیست تصاویر برگزیدهٔ مسابقهٔ "عکاسی نجومی رصدخانهٔ سلطنتی گرینویچ" سال ۲۰۲۱ منتشر شده است که در میان آنها تصویر کهکشان راه شیری بر فراز قلهٔ دماوند که توسط عکاس ایرانی، مسعود قدیری ثبت شده است، می‌درخشد. قدیری نوشت: "این یکی از عکس‌هایی بود که خیلی براش زحمت کشیده شده بود و خیلی دوستش داشتم. شکوه دماوند: بی شک دماوند یکی از جلوهای زیبای طبیعت و یکی از مهمترین نمادهای ملی ایران است.

این قله در حدود ۵۶۷۰ متر ارتفاع دارد که شهرهای رینه و گزنک در دامنه آن قرار دارند. همچنین این قله در ۶۹ کیلومتری شمال شرقی تهران است. این عکس از ارتفاعات شمال غربی روستای ناندل در کنار یک آبگیر فصلی به ثبت رسیده است.

اثر دیگری از مسعود قدیری عکاس مناظر نجومی

این آبگیر در اثر آب شدن برف‌های اطرف ایجاد می‌شود و در صورت عدم وزش باد، انعکاس قله دماوند در آن ایجاد می‌شود. برای ثبت این تصویر حدود ۷ ساعت از سمت روستای ناندل به سمت آبگیر پیاده‌روی داشتم. وقتی رسیدم غروب شده بود. هوا بسیار سرد بود و باد نسبتا شدید می‌وزید. تا حدود ساعت ۱۲ صبر کردم و سپس تا ساعت ۳ صبح عکاسی کردم. بعد از آن به سمت پایین حرکت کردم. این زمان حدود ۸ ساعت بود. مسیر بسیار سخت و ناهموار بود بخصوص با لوازم سنگین عکاسی. در این عکس کهکشان راه شیری و صورت فلکی عقرب و در سمت راست آلودگی نوری شهر تهران دیده می‌شود که بخشی از انعکاس آن در آب دیده می‌شود".

سینماگران مستند ساز ایرانی در جشنوارهٔ سوئدی ایدفا «چهرهپرداز»

جعفر نجفی: کارگردان

شهاب‌الدین طباطبایی: تهیه‌کننده

منبع گزراش و تصویر: پژمان اکبرزاده

از چپ به راست: جعفر نجفی (کارگردان «چهرهپرداز») و شهاب‌الدین طباطبایی (تهیه‌کننده)

در مراسم اهدای جوایز ایدفا، آمستردام ۲۰۲۱

بر اساس گزارش پژمان اکبر زاده خبرنگار سینمایی در سایت بی بی سی فارسی، سی و چهارمین دوره از جشنواره جهانی فیلم‌های مستند آمستردام (ایدفا) در پاییز امسال برگزار شد. اکبر زاده می نویسد:

ایدفا، بزرگترین جشنواره فیلم‌های مستند در دنیا، همواره توجه ویژه‌ای به ایران داشته است. دست‌کم در دو دهه‌ی گذشته، تقریبا هر سال فیلم‌های ایرانی در جشنواره به نمایش درآمده‌اند و گاه ایرانیان در هیئت داوران نیز حضور داشته‌اند. در ایدفای امسال نیز چهار فیلم از ایران حضور داشت که از میان آنها «چهره پرداز» به کارگردانی جعفر نجفی، برنده جایزه "نخستین فیلم بلند" شد. به مستند کوتاه "آب، باد، خاک، نان" ساخته‌ی مهدی زمانپور کیاسری نیز دیپلم افتخار اهدا شد.

این گزارشگر سینمایی فیلم چهره پرداز را مرز میان سینمای مستند و داستانی توصیف می کند. ماجرای فیلم در کوهپایه‌های زاگرس می گذرد:

مینا و گل‌محمد، به همراه کودک خردسال‌شان زندگی آرامی دارند. یک موضوع اما این آرامش را گاه به هم می‌زند. مینا سخت در تلاش است که برای تحصیل در رشته گریم وارد دانشگاه شود. شوهر متمول او که صاحب گله بزرگی است، پیش از ازدواج با این خواسته موافقت کرده ولی پس از ازدواج روی

قول خود پا گذاشته است. "چهره پرداز" از بابت شیوه دخالت کارگردان در روند مستند ذهن بخش قابل توجهی از تماشاگران را به خود جلب کرده بود. مهدی عبدالله‌زاده، منتقد سینما، این دخالت را پُر رنگ می‌بیند و می‌افزاید: "گفتگوها در بسیاری موارد به شیوه فیلمنامه‌ای نوشته شده‌اند و شخصیت‌ها گویی مو به مو اجرایشان می‌کنند. میزانسن‌ها هم بر همین مبنا در چارچوب سینمای داستانی شکل گرفته‌اند و همه اجزا با همین رویکرد کنار هم چیده شده‌اند. این رویکرد تا حدی به مستند فضایی غیرقابل باور می‌دهد."

پژمان اکبرزاده خبرنگار سینمایی

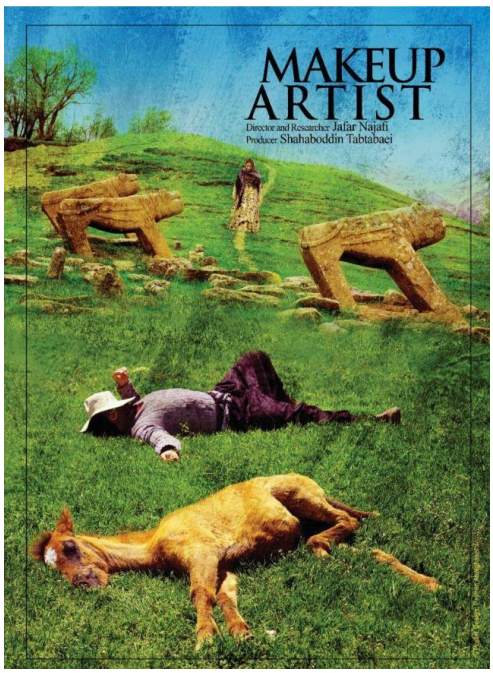

منبع تصویرIDFA

پوستر فیلم «چهره پرداز»

به نقل از اکبرزاده، هیمن حیدری، پژوهشگر سینمای ایران و مدرس سینما در دانشگاه آمستردام معتقد است:

"از منظر تلاش برای ضبط بدون مداخله‌ی فیلمساز، سینمای مستند امروز در مقایسه با مثلا سینمای مستقیم اواخر دهه ۱۹۵۰ (یا سینما حقیقت)، تفاوت زیادی پیدا کرده است. در سینمای مستند امروز اگر از واقعیتی آگاه باشید می‌توانید آنرا بازسازی کنید. این بازسازی، خطایی در مستندسازی محسوب نمی‌شود اما باید غیرواقعی بودن اجرا به بیننده اطلاع داده شود. تعداد زیادِ چنین نماهایی در 'چهره پرداز ' تا حدی این باور را پدید می‌آورد که کارگردان بیش از حد معمول و صرفا جهت جذابیت روایی به بازیگران – به ویژه در گفتگوها – خط داده است."

پوستر چهره پرداز برای جشنوارهٔ سینمایی ژاپن

در ادامهٔ گزارش آمده است: جعفر نجفی، کارگردان، در جلسه پرسش و پاسخ به مخاطبان گفت که با توجه به اینکه خودش نیز از منطقه بختیاری است توانسته ارتباط نزدیکی با این زوج برقرار کند و مدت کوتاهی پس از آغاز کار، گروه سازنده‌ی فیلم با این خانواده عملا زندگی کرده است. "چهره پرداز" صحنه‌های چشم‌نوازی از طبیعت منطقه بختیاری و زندگی عشایری را بدون نشانی از زندگی مدرن به بیننده ارائه می‌کند. هیمن حیدری عامل جغرافیا، زندگی عشایری و همچنین تمرکز روی حقوق زن را در موفقیت فیلم در ایدفا موثر می‌بینند. او می‌گوید:

"فیلم در میان قوم و در منطقه‌ای فیلمبرداری شده که حدود صد سال پیش مرین سی. کوپر و ارنست بی. شودزاک فیلم "علف" را در آنجا ساختند. به مانند آن فیلم، مکان بکر جغرافیایی و مردمان ایزوله از دنیای شهری با مشکلات اولیه هنوز برای بیننده‌ی پساصنعتی چشم‌نواز است. با این تفاوت که "علف" محصول نگاه استعمارگرانه‌ی غرب به شرق (در قالب فیلم‌های قوم‌نگارانه) و "چهره پرداز" نگاهی از درون به خود برای عرضه در غرب است."

جعفر نجفی، کارگردان "چهره پرداز" در ایدفای ۲۰۱۹ نیز برای فیلم "آشو" جایزه بهترین فیلم در حوزهٔ کودک و نوجوان را به خود اختصاص داده بود.